

واکاوی روند کاهش تعاملات و ارتباطات بین اعضای خانواده و بین خانواده‌ها و نتایج آن*

جابر مولائی^۱، علی حسین حسین‌زاده^۲، حسین ملتفت^۳

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/CSR.2021.24541.1985

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۱۷۶-۱۴۷

چکیده

در این پژوهش با روش کیفی و رویکرد نظریه بنیادی سیر کاهش تعاملات و ارتباطات بین اعضای خانواده و بین خانواده‌ها ایرانی در چهار دهه گذشته تاکنون مطالعه شده است. روش نمونه‌گیری، هدفمند و با راهبرد نمونه‌گیری نظری انجام شده و روش جمع‌آوری داده‌ها نیز مصاحبه عمیق با ۲۰ نفر از مشارکت‌کنندگان که شامل مردان و زنان و هم‌چنین متخصصان حوزه خانواده شهر دره شهر بوده است. یافته‌های به دست آمده با استفاده از نظریه بنیادی متشکل از مقوله هسته، یعنی فرسایش سرمایه اجتماعی درون و بین خانواده‌ها است که دارای پنج مقوله اصلی «کاهش شبکه‌های سرمایه اجتماعی بین طایفه و خویشاوندی»، «تعاملات ذره‌واره بین همسایگان»، «تعاملات سرد هم‌محله‌ها»، «روابط آمیختگی همسایگان» و «کاهش تعاملات بین اعضای خانواده» است. نظریه بنیادی حاصله، در قالب یک الگوی پارادایمی شامل سه بُعد شرایط، تعاملات و پیامدها ارائه شده است. در نهایت خانواده‌ها باید هم روابط و تعاملات چهره‌به‌چهره و هم روابط مجازی با هم داشته باشند تا سرمایه اجتماعی آن‌ها تقویت شده و دچار فرسایش نشود.

کلیدواژگان: کاهش تعاملات، خانواده، نظریه بنیادی، روش تحقیق کیفی، دره شهر.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری جامعه‌شناسی «جابر مولائی» است.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول).

Email: jabermolaii@gmail.com

۲. استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

۱. مقدمه

خانواده به عنوان اولین کانونی که فرد در آن قرار می‌گیرد، اهمیت زیادی دارد. موضوع خانواده از زیربنایی‌ترین مباحث جامعه‌ماست و توجه به سست شدن پیوندهای خانوادگی و در مقابل آن، تحکیم خانواده اهمیت بسیار دارد. خانواده به عنوان واحد بنیادین جامعه و کوچک‌ترین واحد اجتماعی، اساس تشکیل جامعه و حفظ عواطف انسانی است (ناییبی و لطفی‌خاچکی، ۱۳۹۳: ۲).

جوامع سنتی که محدود و کوچک بودند، افراد هم‌دیگر را می‌شناسند و روابط نزدیک‌تر، عاطفی‌تر و صمیمانه‌تری با هم دارند؛ برعکس جوامع سنتی، جوامع غیرسنتی جوامع هستند وسیع و گسترده و به علت کثرت جمعیت، افراد آن هم‌دیگر را نمی‌شناسند و روابطشان رسمی و از روی حسابگری است و عاطفه نقش کمتری در این جامعه‌ها دارند (تقوی، ۱۳۹۸: ۹۳). هم‌چنین ارتباطات خویشاوندی نزدیک و سالم که می‌تواند بر صمیمیت و هم‌دلی در خانواده و استحکام آن مؤثر باشد، چیزی است که جامعه صنعتی آن را تضعیف کرده است (پناهی و زارعان، ۱۳۹۳: ۱۷). همانند جهان که الگوی خانواده قدیمی دگرگون شده است، ما هم وارد مرحله دیگری از تاریخ خانواده شده‌ایم (آزاد ارمکی، ۱۳۹۵: ۵۹). از نظر «گیدنز» در جوامع مدرن امروزی شاهد تحول‌های بنیادی در ماهیت روابط نزدیک خانوادگی هستیم و درک ما از این نوع روابط نیز کاملاً عوض شده است (مک‌کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰؛ به نقل از: پاک‌کردندی و ربیعی، ۱۳۹۲: ۳۹). خانواده‌های ما دائم به این سمت میل می‌کنند که روابط اجتماعی و فAMILI خود را کم و کمتر می‌کند؛ از عمه و خاله و دایی عبور کند و از برادری و خواهری یک معانی روتین و اقتصادی پیدا کند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۹). خانواده مورد نظر «پارسونز»، خانواده هسته‌ای و از نظر برخورد و رابطه اجتماعی منزوی است (اعزاز، ۱۳۸۰: ۹۸). براساس مطالعات انجام شده، ۹۵٪ پاسخ‌گویان بیان کرده‌اند که میزان صله‌رحم و دیدوبازدیدهای خانوادگی در جامعه کمتر شده است (رضوی طوسی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). از لحاظ روابط درونی، خانواده ایرانی نسبت به دهه‌های قبل و پیش از آن تغییرات بسیار عمده‌ای یافته است که شامل کوچک شدن ابعاد خانواده و نیز غایب شدن افراد غیر از پدر و مادر و فرزندان از محیط خانواده است. هم‌چنین حضور پررنگ رسانه‌های تصویری و اخیراً نیز اینترنت موجب گردیده که روابط میان اعضای خانواده نسبت به گذشته متحول گردد؛ این تحول هم از حیث میزان و مدت روابط است و هم از حیث کیفیت روابط میان آنان است (عبدی، ۱۳۹۳: ۱۱۰). از منظر کیفیت، روابط میان اعضای خانواده می‌توان گفت که این روابط دموکراتیک‌تر شده و به مرور زمان گفت‌وگو و مفاهمه و مشاوره جانشین سلطه اقتدار پدر نسبت به مادر و فرزندان و مادر نسبت به

فرزندان شده است و از لحاظ مدت، احتمالاً مدت حضور فرزندان در خانه و در کنار پدر و مادر بیشتر از قبل شده است؛ اما به دلیل ارتباط بیش آنان با تلویزیون و دیگر وسایل ارتباطی و نیز تمرکز بیشتر بر امور درسی، تمایل میان اعضا کمتر گردیده است (همان: ۱۱۱). براساس مطالعات انجام‌شده، گفت‌وگوی بین اعضای خانواده‌ها از ۲ ساعت در شبانه‌روز ۲۰ سال گذشته، این‌ک به ۲۰ دقیقه کاهش پیدا کرده است هم‌چنین در گذشته در طول شبانه‌روز ۱۵۰۰ کلمه گفت‌وگو بین اعضای خانواده ردوبدل شده، ولی این میزان اکنون به ۴۰۰ کلمه کاهش پیدا کرده است (ابتکار، ۱۳۹۸). کم‌رنگ شدن روابط عاطفی درون خانواده، اعم از روابط بین همسران، والدین و فرزندان، خواهر و برادری و تحلیل رفتن فضای تعاملی بین آن‌ها حکایت از این دارد که انسان عصر جدید، بسیاری از پیوندهای سنتی گذشته را از دست داده و روابط از شکل طبیعی و دل‌خواسته به حال مصنوعی و ظاهری تغییر یافته است (لول‌آور و کشاورز، ۱۳۹۶: ۲۱۰). در استان ایلام نیز اشکال سنتی سرمایه اجتماعی تضعیف شده است؛ برای نمونه در طرح سنجش سرمایه اجتماعی کشور که در شورای اجتماعی کشور انجام شده است، میانگین سرمایه اجتماعی استان ۲/۸۱ با دامنه بین ۱ تا ۵ بوده است که اندکی پایین‌تر از سطح متوسط قرار داشته است (شورای اجتماعی کشور، ۱۳۹۴؛ به نقل از: مرادی و هزارجریبی، ۱۳۹۸: ۴۰).

دره‌شهر یکی از شهرستان‌های استان ایلام است؛ در طی چند دهه اخیر به علت قرارگرفتن در مسیر تحولات ناشی از انقلاب اسلامی، پدیده جنگ تحمیلی، شهرنشینی، جهانی‌شدن و انقلاب ارتباطات، پیدایش روزافزون فناوری‌های ارتباطی نوین و نیز افزایش سطح آگاهی عمومی نهاد خانواده نیز هم‌چون سایر نهادهای موجود در شهر دره‌شهر دست‌خوش تغییر و تحولاتی گردیده است که یکی از آن‌ها تغییر شکل از گسترده به هسته‌ای است. هسته‌ای شدن خانواده که متناسب با نوع جوامعی است که سازمان‌های موازی با نهاد خانواده قسمت و یا بخشی اعظمی از وظایف خانواده را بر عهده می‌گیرند، فرد در شبکه ارتباطی محدودی از اعضای خانواده قرار می‌گیرد؛ لذا در چنین خانواده‌ای فرد بیش‌دچار آسیب می‌گردد؛ بنابراین بررسی سرمایه‌های اجتماعی خانواده‌های شهر دره‌شهر که مورد توجه قرار نگرفته‌اند، ضرورت دارد. به‌طورکلی با وجود پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه تعاملات و ارتباطات درون و بین خانواده‌ها اما روند و چگونگی شکل‌گیری و تغییر و تحول تعاملات و ارتباطات بین اعضای خانواده و بین خانواده‌ها در ایران اصلاً مورد توجه قرار نگرفته است. هم‌چنین تعاملات درون خانواده در ایران کمتر و در جامعه مورد مطالعه، یعنی دره‌شهر که یکی از شهرستان‌های استان ایلام هست، اصلاً مورد توجه واقع نشده است؛ بنابراین، پژوهش حاضر در پی

پاسخ به این پرسش است که، روند تعاملات و ارتباطات بین اعضای خانواده و بین خانواده‌ها در شهر دره‌شهر چگونه است؟

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های اندکی درباره تعاملات بین خانواده‌ها، به‌ویژه در زمینه تعاملات درون خانواده انجام شده است. در کل پژوهشی یافت نشده که به بررسی روند و چگونگی شکل‌گیری و تغییر و تحول تعاملات و ارتباطات بین اعضای خانواده و بین خانواده‌ها بپردازد؛ در ادامه به چند مورد از پژوهش انجام شده مرتبط با تعاملات خانواده پرداخته خواهد شد.

«صدیق‌اورعی» و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «مسأله تعامل در خانواده ایرانی» که با استفاده از روش تحلیل محتوای جهت‌دار انجام داده‌اند و به ۸۳ مقاله پژوهشی معتبر استناد کرده است و پژوهش آن‌ها با داوری اجتماع جامعه‌شناسان ایرانی پذیرفته و انتشار یافته است. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از وجود مشکل فقدان روابط و تعاملات اجتماعی در خانواده، کمبود و کاهش تعاملات خانوادگی، کمبود تعاملات گرم در خانواده، وجود تعاملات سرد در خانواده و قطع روابط همسران بوده است.

«رحیمی» و «رضایی» (۱۳۹۶) در پژوهش با عنوان «مطالعه سیر تحول صمیمیت و روابط شخصی در خانواده ایرانی» که با روش کیفی و نظریه داده بنیاد انجام شده است. نمونه‌های پژوهش آن‌ها کسانی بودند که در سه دهه گذشته دانشجو بوده‌اند. به این نتایج دست یافته‌اند که افزایش روحیه فردگرایی و کاهش تعاملات چهره‌به‌چهره در خانواده‌ها، افزایش صمیمیت بین والدین و فرزندان، کاهش بُعد خانواده، کاهش عواطف و صمیمیت در تعاملات درونی اعضای خانواده و هم‌چنین مرز خویشاوندان و غیرخویشاوندان در زندگی خانواده ایرانی محو شدن است که تعریف خانواده ایرانی را با اختلال مواجه کرده است.

«بالاخانی عیسی‌لو» (۱۳۹۵) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی ظهور فردگرایی در عرصه خانواده ایرانی» فردی شدن را به‌مثابه فرآیند ساختاری و فردگرایی را به‌مثابه دگرگونی ارزش‌ها، در دو سطح خرد و کلان مورد بررسی قرار داده است. نتایج این بررسی حاکی از وقوع فردی شدن در هر دو بُعد ساختاری و کارکردی خانواده است. هم‌چنین میزان فردگرایی در گروه‌های زنان، جوانان، تحصیل‌کرده بیشتر است و به‌طور کلی، فردگرایی در خانواده، فاصله روانی افراد از اعضای خانواده را افزایش داده و موجب ازهم‌گسیختگی پیوندهای خانوادگی، به‌ویژه در ارتباط با بستگان درجه دوم و خویشاوندان شده است.

در پژوهش «نجفی اصل» (۱۳۹۳) با عنوان «تبیین تحولات نسلی روابط خویشاوندی در خانواده‌های حصار خروان در نیم قرن اخیر» که با استفاده از روش تاریخ زندگی که در روستای حصار خروان قزوین انجام داده است. نتایج این پژوهش حاکی از کاهش چشم‌گیر روابط خویشاوندی خانواده‌ها، گسترش فردگرایی، اهمیت یافتن پول و تجملات، اهمیت یافتن تصمیم‌ها و انتخاب‌های شخصی، کاهش همیاری‌ها، گسترش تمایلات با ایجاد ارتباط با افراد در مراکز شهری، کاهش اقتدار پدر و کم توجه به سالمندان در محیط خانوادگی بوده است.

«رضوی طوسی» (۱۳۹۲) در پژوهش با عنوان «جایگاه روابط خویشاوندی و صلح‌رحم در تعاملات خانوادگی روزمره» که در بین شهروندان تهرانی به این نتیجه دست یافته است که روابط خویشاوندی و صلح‌رحم ۹۵/۴٪ پاسخ‌گویان در جامعه کاهش یافته است. ۲/۸۸٪ از پاسخ‌گویان حضوری، ۳/۱۰٪ تلفنی، ۵/۰٪ از طریق پیامک و ۵/۰٪ بار ارسال نامه و ایمیل با فامیل درجه یک خود ارتباط داشته‌اند. هم‌چنین پاسخ‌گویان به ترتیب علل کاهش روابط خویشاوندی و صلح‌رحم در جامعه را مشکلات اقتصادی و گرانی، گرفتاری و مشکلات زیاد مردم، نداشتن وقت و مشغله کاری زیاد، چشم و هم‌چشمی، حسادت، تجمل‌گرایی و زیاده‌خواهی مردم، پیشرفت فناوری و مدرن شدن زندگی و افزایش ارتباط پیامکی، کم شدن محبت میان مردم، طولانی شدن راه‌ها و ترافیک، دوری مردم از اسلام و کم‌رنگ شدن عقاید دینی بیان کرده‌اند.

در پژوهشی «قادرزاده» و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان «تجارب مرزی و تفسیر مردم از تغییرات زیست جهان خانواده» که با روش کیفی (نظریه زمینه‌ای) و در بین مردم منطقه مریوان انجام دادند؛ به این نتیجه رسیده است که حضور فیزیکی میان افراد، رحم، مروت و احساس مسئولیت انسانی و مذهبی سابق افراد در قبال دیگر همشهری‌ها و حتی فامیل بسیار نزدیکشان کاهش یافته است و هر کس بیشتر به فکر ترقی و آسایش مادی زندگی خویش است. هم‌چنین گسست پیوندها و روابط خانوادگی میان والدین و فرزندان و دیگر خویشاوندان، حادثه تلقی و تفسیر شده است؛ اما این شدت و وخامت هنوز به درجه‌ای نرسیده است که بتوان از خطر فروپاشی نهاد خانواده سخن گفت. هم‌چنین گسست پیوندهای خانوادگی و استحاله ارزش‌های وفاداری است.

«تادپاتریکار» و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش با عنوان «تأثیر استفاده از فناوری بر الگوهای ارتباطی و عملکرد خانواده» یک مرور سیستماتیک از ادبیات منتشر شده بین ۱۹۹۰-۲۰۲۰ را ارائه دادند و به بررسی رابطه بین استفاده از فناوری و تأثیر آن بر عوامل خانوادگی، مانند ارتباطات و روابط خانوادگی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که پیشرفت روزافزون فناوری و معرفی اینترنت بر ارتباطات چهره‌به‌چهره تأثیر گذاشته

است و استفاده از فناوری در خانواده‌ها بسیار زیاد است و حداکثر ارتباط روزانه از طریق فناوری اتفاق می‌افتد. استفاده زیاد از فناوری تأثیر منفی بر اوقات فراغت خانواده، پیوند خانوادگی آفلاین و ارتباطات آن‌ها داشته است. در پایان، مدلی توسعه دادند که دارای پیامدهایی در زمینه روان‌پزشکی خانواده و به‌طور خاص در کار با خانواده‌هایی است که در مدیریت سالم استفاده از فناوری دچار مشکل بودند.

در پژوهشی «وونگ» و همکاران (۲۰۲۰) با عنوان «استفاده والدین از فناوری، تعامل والدین با فرزندان، زمان حضور کودکان در صفحه نمایش و مشکلات روانی اجتماعی کودکان» که در بین خانواده‌های محروم چینی انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده زیاد والدین خانواده‌های محروم از فناوری دیجیتال باعث کاهش تعاملات والدین و فرزندان، افزایش زمان حضور کودکان در صفحه نمایش و مشکلات روانی برای خانواده‌های آن‌ها شده است؛ هم‌چنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که محدود کردن استفاده والدین از وسایل الکترونیکی در حضور فرزندان خردسالشان می‌تواند برای رشد روانی کودکان مفید باشد.

«سلترز» (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «تغییر خانواده و تغییر جمعیتی خانواده» به این نتیجه رسیده است که خانواده‌ها به‌طور سنتی به‌عنوان یک شبکه ایمنی خصوصی حیاتی برای اعضای خانواده خدمت کرده است؛ اما تغییرات جمعیتی عدم اطمینان اعضای خانواده را درمورد روابطشان، افزایش داده است. روابط خانوادگی در بین افراد با وضعیت اقتصادی ضعیف ناپایدارتر و نا اطمینان‌تر است و عدم اطمینان ممکن است با تضعیف توانایی افراد در اتکا به حمایت اعضای خانواده برای کاهش مشکلات را تشدید کند. هم‌چنین بر این مورد تأکید می‌کند که جمعیت‌شناسان باید به روابط خانوادگی افراد توجه کنند تا از نظم و ترتیب زندگی و پویایی خانواده اطلاعاتی کسب کنند.

«رحمان» و «آدین» (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «تأثیر جهانی شدن بر ارزش‌های خانواده» به این نتیجه رسیده‌اند که در یک خانواده سنتی مسلمان، ارزش‌های مانند روابط قوی با خویشاوندان، یکپارچگی اخلاقی، اجتماعی شدن فرزندان و غیره وجود داشته است؛ اما جهانی شدن از طریق رسانه‌های نوین، اندیشه‌های نولیبرالیستی و توسعه اقتصادی در حال نابودی ارزش‌های خانوادگی سنتی آن‌ها از طریق تغییر نگرش افراد به طلاق، روابط خویشاوندی، روابط فرا زناشویی و غیره است.

«کیونگ» و «یونگ» (۲۰۱۰) در بررسی تغییرات خانواده در کره جنوبی به نتایج رسیده‌اند که نهاد خانواده در مقایسه با دیگر نهادهای اجتماعی بیشتر تحت تأثیر جریان‌های مدرنیزاسیون بوده است؛ به‌گونه‌ای که این جامعه با شدت و اندازه

قابل توجهی تغییرات جمعیت‌شناختی خانواده، مانند افزایش آمار طلاق و کاهش نرخ باروری را تجربه کرده است. آن‌ها با توجه به تغییرات صورت‌گرفته، ضمن تأیید فردی شدن خانواده در جامعه مورد بررسی استدلال کرده‌اند که زنان کره‌ای گرچه به لحاظ اقتصادی و تحصیلات دانشگاهی در مقایسه با گذشته مستقل شده‌اند و آمار طلاق در این کشور افزایش یافته است، اما خانواده برای آن‌ها نهادی مهم و ارزشمند محسوب می‌شود.

۳. چارچوب مفهومی

در حالی که چارچوب نظری بیشتر مختص پژوهش‌های کمی می‌باشد، چارچوب مفهومی روندی رایج در پژوهش‌های کیفی هستند (عباس‌زاده و شمسی‌متنق، ۱۳۹۹: ۴). اما نحوه استفاده از ادبیات نظری در تحقیق کیفی با تحقیق کمی متفاوت است. در پژوهش‌های کمی از ادبیات نظری، فرضیه‌ها استخراج و سپس آزمون می‌شوند؛ اما در پژوهش‌های کیفی از ادبیات موجود، صرفاً به منزله دانش‌زمینه‌ای استفاده می‌شود تا در بستر این ادبیات مشاهده‌ها و گزاره‌های پژوهش دیده شود. از نظر وی، مرور ادبیات نظری در تحقیق کیفی به پژوهش‌گر در زمینه‌هایی مانند: شناخت اطلاعات موجود درباره موضوع خاص، مجادله‌های نظری روش‌شناختی، شناخت سؤال‌های بدون پاسخ و موضوع‌های مطالعه نشده یاری می‌رساند (فلیک، ۱۳۹۱: ۶۵-۶۴).

برای تدوین چارچوب مفهومی تحقیق حاضر از رویکرد تفسیرگرایی استفاده می‌شود. پارادایم تفسیری در علوم انسانی به نحوی مربوط به مباحث نظری جامعه‌شناسی آلمانی، «ماکس وبر» (۱۸۶۴-۱۹۲۰) است که معتقد به تمایز بین علوم انسانی از علوم طبیعی و مطالعه کنش اجتماعی^۱ در علوم انسانی بود. وبر، ضمن تأکید بر کنش اجتماعی با معنا^۲ یا متمایل به مقصود (هدف) به بررسی مفهوم تفهم^۳ که انعکاس‌دهنده چگونگی نگرش مردم در خلق معنا و دلایل و انگیزش‌های آن‌ها است، پرداخت (ایمان، ۱۳۸۷: ۳۰).

پارادایم تفسیری معتقد است که دنیای اجتماعی برخلاف دنیای فیزیکی مستقل از آگاهی انسان وجود ندارد؛ بنابراین دنیای اجتماعی واقعیتی از پیش تعیین شده نیست که محققان آن را کشف نمایند. زندگی اجتماعی که از طریق کنش متقابل معنادار انسان خلق می‌شود، بر سیستم معنای اجتماعی^۴ مردم در هر نظام اجتماعی متکی است. بر این اساس، زندگی بدان صورتی که مردم آن را تجربه می‌کنند و به آن معنا می‌بخشند، موجودیت می‌یابد و توضیح آن صرفاً از زاویه دید آنان امکان‌پذیر است. تفسیرگرایان معتقدند آن چه در معرفت علمی ضرورت دارد، درک زندگی روزانه مردم است که براساس

شعور عامیانه اداره می‌شود. در شعور عامیانه، سیستم معانی وجود دارد که کنش متقابل اجتماعی مردم را هدایت می‌کنند؛ بنابراین، شعور عامیانه مبنایی برای درک و شناخت صحیح از جامعه و زندگی اجتماعی به‌شمار می‌آید. پارادایم تفسیری یک رویکرد استقرایی^۵ است که به دنبال کشف بیان نمادین یا توصیف موارد خاص است. انتزاع سازمان یافته و معتبر از موارد خاص را که محقق مشاهده می‌نماید، «تئوری بنیادی»^۶ می‌نامند. تئوری بنیادی ریشه در موارد خاص زندگی اجتماعی دارد (همان: ۳۲-۳۱). در مطالعه حاضر، بررسی دیدگاه‌های نظری مرتبط با موضوع نه با هدف نظریه‌آزمایی، بلکه با هدف ارتقاء حساسیت نظری پژوهشگر و پژوهش انجام‌گرفته است. در واقع محقق با اطلاع از این نظریه‌ها، بر مجموعه مفاهیمی متمرکز می‌شود که ممکن است در طول پژوهش مورد نیاز باشد.

۳-۱. جیمز کلمن

«جیمز کلمن» اولین محققی بود که به بررسی تجربی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی و به عملیاتی نمودن آن پرداخت. کلمن به جای تعریف سرمایه اجتماعی برحسب ماهیت و به‌طور کلی محتوای آن، به کارکرد آن توجه داشت. به اعتقاد او سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنش‌گر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منابع خود دست یابد. این بُعد از ساختار اجتماعی شامل: تکالیف و انتظارات، مجاری اطلاع‌رسانی، هنجارها و ضمانت اجرایی است که انواع خاصی از رفتار را تشویق کرده یا منع می‌شوند (شارع‌پور، ۱۳۸۳: ۶۸).

از نظر کلمن دو نوع سرمایه اجتماعی وجود دارد؛ سرمایه اجتماعی در داخل خانه، و سرمایه اجتماعی خارج از خانه. به عبارتی، کلمن و بسیاری از محققین برای سنجش سرمایه اجتماعی ارتباطات درون خانوادگی و بین خانوادگی را به عنوان شاخص‌های اساسی مورد نظر قرار داده‌اند. سرمایه‌های اجتماعی درون خانواده شامل: هنجارها، شبکه اجتماعی، روابط بین زن و شوهر و روابط بین والدین و فرزندان است که فرزندان خصوصاً در دوران جامعه‌پذیری بسیار گران‌بهاست. این سرمایه اجتماعی از طریق سرمایه‌گذاری در کنش متقابل بین افراد خانواده و با ایجاد فرصت برای کنش‌های بین شخصی و فراوانی و مدت زمان کنش ظاهر می‌شود. به بیانی دیگر، سرمایه اجتماعی درون خانواده زمانی حاصل می‌شود که والدین با یکدیگر و بچه‌هایشان وقت می‌گذرانند (ارتباطات درون خانواده) و هم‌چنین تعاملات والدین-کودکان در بطن خانواده، سرمایه اجتماعی درون خانواده محسوب می‌شود (نوتاش، ۱۳۸۹: ۴۶).

در تحلیل کلمن، نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی است او بر روابط

والدین و فرزندان تأکید می‌کند و از حضور فیزیکی والدین در خانواده و رسیدگی به فرزندان به‌عنوان شاخص اندازه‌گیری استفاده می‌کند. کلمن نمونه‌ای از دانش آموزشی را مطالعه کرد و پیوندی بین سرمایه انسانی و اجتماعی به وجود آورد. پیش‌فرض او این بود که سرمایه اجتماعی متفاوت خانواده‌ها سطوح مختلف سرمایه اجتماعی قابل دسترسی را برای کودکان ایجاد می‌کنند و سرمایه اجتماعی را به چندین عامل در ارتباط دانست؛ حضور والدین در خانه (هر دو نفر یا تنها یکی)، تعداد فرزندان، ترکیب متفاوت والدین، انتظارات مادران از آموزش فرزندان، تحرک خانواده و حضور در کلیسا. هم‌چنین سرمایه اجتماعی بیرون از خانواده از نظر کلمن به شبکه اجتماعی خانواده در اجتماع و رابطه آن با سایر نهادهای اجتماع و اعضای آن اشاره دارد که شامل ارتباط با دوستان، همسایگان و خویشاوندان است (همان: ۴۷).

۲-۳. پاتنام

«پاتنام» معتقد است که اینترنت مرزهای ارتباطات را حذف کرده و به این طریق تشکیل شبکه‌های جدید را تسهیل می‌کند، اما نسبت به تأثیر آن کمی مُردد است؛ به‌ویژه او تقسیم دیجیتالی به وجود آمده بین کسانی که به یکدیگر متصل‌اند و کسانی که فاقد مهارت و تجهیزات لازم برای وارد شدن به فضای مجازی هستند را یادآور می‌شود. دوم، به علت سطحی بودن ارتباطات اینترنتی و نداشتن بازده آنی رویارویی‌های چهره‌به‌چهره، بده‌وبستان را متوقف نموده و تقلب را آسان می‌سازد؛ سوم، کسانی که به اینترنت متصل می‌شوند، بیشتر تمایل دارند که فقط با گروه‌های کوچک افراد دیگری که دارای علایق و دیدگاه‌های مشابه با خودشان هستند ارتباط برقرار کنند و از رویارویی با افراد با طرز تفکر متفاوت آبا دارند (فیلد، ۱۳۹۲: ۱۶۹-۱۷۰).

هم‌چنین وی بر این باور است که کاهش سرمایه‌های اجتماعی در جامعه آمریکا تا حدود زیادی ناشی از افزایش زمان تماشای تلویزیون توسط مردم است که این امر سبب کاهش مشارکت افراد در امور اجتماع محلی می‌شود. پژوهش‌های مربوط به این کشور نشان داده که افرادی که بیشتر تلویزیون تماشا کرده و کمتر روزنامه می‌خوانند کمتر به دیگر مردم اعتماد نموده و کمتر در امور اجتماع خود درگیر می‌شوند (نوتاش، ۱۳۸۹: ۴۱).

از نظر پاتنام، اشکال متفاوتی از سرمایه اجتماعی وجود دارد که یکی از آن‌ها سرمایه اجتماعی محدود است این نوع از سرمایه اجتماعی مردمی را که از جهات مهمی مثل: قومیت، سن، طبقه اجتماعی و مانند آن شبیه به هم هستند، به هم پیوند می‌دهد؛ به‌طورکلی، سرمایه اجتماعی محدود در گروه‌های هم‌گون دیده می‌شود که می‌تواند

منجر به شکل‌گیری هویت‌های انحصاری و تنگ‌نظر گردد. در مقابل آن، سرمایه اجتماعی اتصالی بر شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد که افراد غیرمشابه از بخش‌های گوناگون جامعه را به یکدیگر مرتبط و می‌تواند هویت‌های باز و فارغ از تعصب را موجب گردد. این نوع سرمایه، از طرفی همیارهای تعمیم‌یافته را برمی‌انگیزد؛ و از طرف دیگر، دستیابی به منابع موجود در شبکه‌های وسیع‌تر و انتشار اطلاعات را ممکن می‌سازد؛ بنابراین، آثار بیرونی مثبت سرمایه اجتماعی بیشتر در این نوع محتمل است (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۱۸-۱۷).

۳-۳. نظریه شبکه

«نظریه شبکه» بر روابط زوجین و شبکه خویشاوندی تأکید دارد و بیان می‌کند که هرچه روابط بین شبکه کمتر و سست‌تر باشد زن و شوهر وظایف خود را بهتر انجام می‌دهند؛ پس اگر شبکه قوی باشد، زن و شوهر خود نمی‌توانند تصمیم‌های لازم را اتخاذ کنند؛ چراکه باید براساس شرایط و روابط شبکه عمل کنند و دخالت دیگران را در زندگی خود قبول کنند. این مسأله می‌تواند زمینه بروز اختلافات در خانواده را به وجود آورد و در نتیجه دخالت دیگران دچار انحلال شود (ملتفت، ۱۳۸۲: ۳۴).

۴. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، کیفی و از نوع «نظریه داده‌بنیاد» یا «گراند تئوری» است. قلمرو این پژوهش، شهر دره‌شهر است و مشارکت‌کنندگان آن شامل مردان و زنانی شهر دره‌شهر و هم‌چنین متخصصان حوزه خانواده است. شیوه نمونه‌گیری یا به عبارتی، انتخاب مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر هدفمند و نظری است. هدف از نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب واحدهای خاص و دسترسی به واحدهایی است که اطلاعات بیشتری (مرتبط با عنوان پژوهش) در اختیار ما قرار می‌دهند (ابوالمعالی، ۱۳۹۱: ۱۱۷). هم‌چنین در نمونه‌گیری نظری، محقق از رویدادها، افراد یا واحدها بر مبنای سهم بالقوه آن‌ها در توسعه و آزمون سازه‌های نظری نمونه‌گیری می‌کند. به این صورت که محقق یک نمونه اولیه را برمی‌دارد، داده‌ها را تحلیل می‌کند و سپس نمونه‌های بیشتر را برای پالایش مقوله‌ها و نظریه‌های در حال ظهور خود مجدد برمی‌دارد. این فرآیند ادامه می‌یابد تا زمانی که محقق به مرحله «اشباع» داده‌ها می‌رسد؛ یعنی به مرحله‌ای که در آن، هیچ بینشی و ایده جدیدی از گسترش بیشتر نمونه‌ها حاصل نمی‌شود (احمدپور، ۱۳۹۰: ۴۱)؛ بنابراین، در پژوهش حاضر برای دسترسی به مشارکت‌کنندگان با نمونه‌گیری هدفمند شروع و با نمونه‌گیری

نظری، از نمونه‌های بیشتر برای پالایش مقوله‌ها و نظریه‌های درحال ظهور تا رسیدن به مرحله اشباع ادامه داده شد. درنهایت با ۲۰ نفر از مشارکت‌کنندگان که شامل مردان و زنان و متخصصان حوزه خانواده شهر دره‌شهر مصاحبه عمیق انجام شد.

در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه استفاده شد. مصاحبه روش مناسبی برای جمع‌آوری داده‌های نظریه داده‌بنیاد است. البته لازم است شرکت‌کنندگان نظریه داده‌بنیاد توانایی صحبت کردن و درک سؤال‌ها را داشته باشند. اشکال درک و فهم علائم زبانی و لهجه مصاحبه‌شونده، به‌عنوان مانعی برای مصاحبه به‌شمار می‌روند. مصاحبه چهره‌به‌چهره اگرچه پرهزینه و زمان‌بر هستند، اما داده‌های عمیقی به‌دست می‌دهند (ابوالمعالی، ۱۳۹۱: ۳۳۹). به‌دلیل مناسب بودن مصاحبه و به‌دست دادن داده‌های عمیق، درنهایت با ۲۰ نفر از مشارکت‌کنندگان که شامل مردان و زنان، هم‌چنین متخصصان حوزه خانواده شهر دره‌شهر مصاحبه عمیق انجام شد.

قبل از مصاحبه، توضیحاتی درمورد نحوه مصاحبه به مشارکت‌کنندگان داده شد و از آن‌ها برای ضبط مصاحبه اجازه گرفته شد. در مصاحبه از سؤال‌های باز استفاده شد. پس از پایان مصاحبه به نحو شایسته از مصاحبه‌شوندگان تقدیر به‌عمل آمد. سپس تمامی مصاحبه پیاده شده و به‌صورت متن درآمدند و کدگذاری باز انجام شد و با توجه مصاحبه مشارکت‌کننده اول، مصاحبه‌شونده دوم انتخاب و این فرآیند به‌همین شکل ادامه داشت تا زمانی که اشباع نظری صورت گرفت و آنگاه مصاحبه‌ها به اتمام رسیدند. هم‌چنین در این مطالعه از طریق استراتژی‌های چک کردن توسط مشارکت‌کنندگان، ممیزی خارجی، مشارکت طولانی و مشاهده مداوم در میدان پژوهش، بررسی همکاران و توصیف عمیق و غنی اعتباریافته مورد سنجش قرار گرفت. برای رسیدن به پایایی از تکنیک‌هایی مانند یادداشت برداری مفصل و دقیق سرصحنه، ضبط صوت با کیفیت برای ثبت دقیق گفته‌ها، آوانگاری گفته‌های ضبط‌شده، آوانگاری نکات، مکث‌ها و جزئیات جاافتاده و کدگذاری ناشناس به کمک کدگذاری که جزو تیم پژوهش نبود، استفاده شد.

تحلیل داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از سه نوع کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد. نسبت به رویکردهای مطرح در نسخه‌های پیشین تغییراتی در تحلیل داده‌های نظریه داده‌بنیاد از دیدگاه «کوربین» و «اشتراوس» ۲۰۱۵ م. اعمال شده است. پس از درگذشت اشتراوس، کوربین در نسخه‌ای که در دسامبر ۲۰۱۴ م. منتشر کرده است با ایجاد تغییراتی در مراحل کدگذاری، شرایط و نحوه به‌کارگیری آن و مواردی از این دست، آن‌را وارد مرحله‌ای تازه از کاربست کرده است. این تغییرات اگرچه از نظر شکلی کار با نظریه داده‌بنیاد را متفاوت‌تر از نسخه‌های پیشین می‌کند، اما تغییرات بنیادی در این روش

ایجاد نمی‌کند و هم‌چنین در همان چارچوب رویکرد عینی‌گرا باقی می‌ماند. تغییرات بدین صورت بوده که در نسخه پیشین، فرآیند تحلیل نظریه بنیادی سه مرحله وجود داشته است که شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است؛ اما در نسخه جدید روش نظریه داده بنیاد از پنج مرحله کدگذاری باز و تشخیص مفاهیم، توسعه مفاهیم در جهت ابعاد و ویژگی‌ها، تحلیل داده‌ها بر زمینه، وارد نمودن فرآیند به تحلیل و یکپارچگی مقولات عبور می‌کند (بهمنی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۸).

تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر نیز براساس نسخه ۲۰۱۵ کوربین و اشتراوس است. بدین صورت که مصاحبه‌های ضبط شده تبدیل به متن شدند؛ (پیاده‌شدن متن روی کاغذ و آماده‌شدن متن برای تحلیل) و سپس به صورت سطر به سطر و در مرحله کدگذاری باز، کدها و مفاهیم اولیه استخراج شد و در مرحله کدگذاری محوری، کدهایی که به لحاظ مفهوم ویژگی‌ها مرتبط بودند به محوریت یک مقوله اصلی سازمان دهی شدند؛ به عبارتی دیگر، پس از فرآیند خرد کردن مصاحبه‌ها به مفاهیم و مقوله‌های فرعی در کدگذاری باز، در مرحله کدگذاری محوری به مرتبط کردن و دسته‌بندی آن‌ها حول محور مقوله‌های اصلی پرداخته شد. کدگذاری گزینشی نیز با استفاده از گزینش مفاهیم و موضوعاتی که در استخراج مقوله اصلی پژوهش مؤثر به نظر می‌رسیدند، دنبال شد. این مرحله از کدگذاری با هدف یکپارچه‌سازی و پالایش داده‌ها به منظور پدیداری مقوله اصلی، ارائه الگوی پارادایمی و نظریه انجام شد.

۵. یافته‌های پژوهش

فرآیند کدگذاری یافته‌ها بدین صورت بوده است که مصاحبه‌های ضبط شده تبدیل به متن شدند؛ سپس به صورت سطر به سطر و در مرحله کدگذاری باز، کدها و مفاهیم اولیه استخراج شد و در مرحله کدگذاری محوری، کدهایی که به لحاظ مفهوم ویژگی‌ها مرتبط بودند به محوریت یک مقوله اصلی سازمان دهی شدند. به عبارتی دیگر، پس از فرآیند خرد کردن مصاحبه‌ها به مفاهیم و مقوله‌های فرعی در کدگذاری باز، در مرحله کدگذاری محوری به مرتبط کردن و دسته‌بندی آن‌ها حول محور مقوله‌های اصلی پرداخته شد. کدگذاری گزینشی نیز با استفاده از گزینش مفاهیم و موضوعاتی که در استخراج مقوله اصلی پژوهش مؤثر به نظر می‌رسیدند، دنبال شد. این مرحله از کدگذاری با هدف یکپارچه‌سازی و پالایش داده‌ها به منظور پدیداری مقوله اصلی، ارائه الگوی پارادایمی و نظریه انجام شد.

قابل ذکر است که پدیده مرکزی پژوهش حاضر «فرسایش سرمایه اجتماعی درون و بین خانواده‌ها» است. این مقوله به نوعی تمام مقولات پیشین خود را پوشش

داده و انتزاعی‌تر از آنان است. برای دستیابی به این مقوله اصلی پژوهشگران پس از بررسی‌های فراوان و رفت و برگشت بین کدهای باز و محوری مشورت با متخصصان به مقوله اصلی رسیده‌اند. این مقوله هسته دارای پنج مقوله اصلی: «کاهش شبکه‌های سرمایه اجتماعی بین طایفه و خویشاوندان»، «تعاملات ذره‌واره بین همسایگان»، «تعاملات سرد هم‌محلها»، «روابط اتمیستی همشهریان» و «کاهش تعاملات بین اعضای خانواده» است؛ هم‌چنین در ادامه شرایط زمینه‌ای، مداخله‌گر و علی در قالب جدول ۱، ارائه شده است.

جدول ۱. شرایط زمینه‌ای، مداخله‌گر و علی

شرایط زمینه‌ای	مشغله کاری، تحصیل فرزندان، ازدواج، توجه به علایق شخصی، نان‌آور بودن زن، اشتغال زن، ورد رسانه‌های اجتماعی
شرایط مداخله‌گر	بی‌اعتمادی، فردگرایی، شرایط سخت اقتصادی، افزایش جمعیت، فضای مجازی، تحرک جغرافیایی، فاصله مکانی، آپارتمان‌نشینی
شرایط علی	حسادت، مداخله بی‌مورد خویشاوندان در زندگی زناشویی، چشم و هم‌چشمی، کرونا، کاهش تعاملات بین اعضای خانواده، کاهش صمیمیت بین خانواده‌ها، تعاملات ذره‌واره بین همسایگان، روابط اتمیستی همشهریان، تعاملات سرد هم‌محلها

۱- مقوله اصلی اول: کاهش شبکه‌های سرمایه اجتماعی بین طایفه و خویشاوندان؛ سرمایه اجتماعی در دهه‌های اخیر مورد توجه جامعه‌شناسان جهان قرار گرفته است. این سرمایه در جوامع سنتی به علت روح جمع‌گرایی حاکم بر جامعه، شرایط مساعد اقتصادی و تورم اقتصاد پایین گذشته در بین خویشاوندان بسیار زیاد بود و افراد به یک شبکه درهم‌تنیده بوده‌اند، اما در جوامع امروزی از نظر مشارکت‌کنندگان شبکه‌های سرمایه اجتماعی در بین طایفه و خویشاوندان دچار فرسایش شده است؛ از عوامل مهم در مورد کاهش شبکه‌های سرمایه اجتماعی شرایط نامساعد اقتصادی یا ناتوانی مالی خانواده‌ها، ناسازگار بودن بچه‌ها، تورم بالای اقتصادی مشغله کاری، تحصیل فرزندان، فاصله مکانی و دخالت بی‌مورد خویشاوندان در زندگی زناشویی زوجین است. تأکید بیشتر مشارکت‌کنندگان بر شرایط نامساعد اقتصادی است که باعث بین طایفه و خویشاوندان دچار فرسایش شده است.

به عنوان نمونه، خانم (س) می‌گوید: «قبلاً روابط خیلی بهتر بود. قبلاً دوتا برادر، حتی دوتا برادری که ازدواج هم کرده بودن، بچه داشتن با پدرشون توی یه خونه باهم زندگی می‌کردن. بچه‌هاشون با هم دیگه بزرگ می‌شدن. روابطشون خیلی خوب بود. اصلاً توی یه خونه باهم بزرگ می‌شدن. توی یه خونه هم نبودن، همسایه بودن، باهم رفت‌وآمد داشتن. ولی الان خیلی کم‌رنگ شده. به دلیل اخلاق و رفتاری که بین بچه‌هاشون پیش میاد. قدیم بچه‌ها باهم دیگ بزرگ می‌شدن توی یه خونه، دخترعمو پسرعمو توی یه خونه بزرگ می‌شدن، الان شرایط جور شده که دخترعمو و پسرعمو حتی

بعضی‌ها اجازه نمی‌دن دختر عمو پسر عمو سلام هم دیگه هم بکنن؛ من خودم خانواده سراغ دارم مثلاً خودش ۷ تا ۸ تا بچه داشته، مثلاً خواهر برادرای خانمش، شاید بگم ۱۰ تا خواهر برادر داشته خانمش، عید که می‌شده بچه‌های خودش که هیچی، خواهر برادرای خودش که هیچی، خواهر برادرای خانمش هم، همه یه جا دعوت می‌کرده میومدن خونش، هیچ مشکلی هم نداشتن، شرایط جوری بوده که می‌توانستن خیلی به راحتی و با تمام امکانات از شون پذیرایی کنه. ولی الآن حتی هفته‌ای یکیشون هم بیاد خونش به مشکل برمی‌خوره.

یه واقعیت. قبلاً برنج گونی ۱۰ هزار تومان، ۲۰ هزار تومان، ۵۰ هزار تومان بود. الآن یک کیسه برنج ۲۵۰ هزار تومان. یک کیسه برنج کفاف زندگی خانواده‌رو هم نمی‌ده. خانواده هفت-هشت نفر برنج اندازه ۱۰ روزشونه، ۷ روزشونه، شرایط اقتصادی جوری شده که واقعاً بعضی‌ها نمی‌تونن اون جوری که قبلاً با هم دیگه رفت‌وآمد داشتند به هم دیگه سر می‌زدن، الان نم‌این جوری باشن».

خانم (ا)، درباره نقش تحصیل فرزندان که از عوامل کاهش تعاملات خویشاوندان است چنین می‌گوید که: «بعضی خانواده‌ها هم بچه‌هاشون به خاطر درس که دارن هیچ جایی نمیرن، مخصوصاً اگر کنکوری باشن و آن زمان درس و کنکور زیاد مدنظر نبود، ولی الان مهم شده و میگه تا یک سال کسی خانۀ ما نیاد به خاطر این که بچه کنکور داره و این شرایط و روابط را کمتر کرده».

آقای (ه)، درباره نقش مشغله کاری که از عوامل کاهش تعاملات خویشاوندان است چنین می‌گوید که: «رفت و آمد خیلی کم شده. فقط شده کار کار کار. من الآن خودم فک کنم، هشت ماه، نه ماهه که دوبار رفتم خونۀ عمم، اون که اصن وقت نکرده بیاد خونۀ من. عموم یه بار اومده خونۀ من، دوبار من رفتم خونۀ عمومه».

آقای (س)، درباره نقش تحرک جغرافیایی که از عوامل کاهش تعاملات خویشاوندان است چنین می‌گوید که: «الان خانواده‌های شهر دره شهر به خاطر شرایط کاری یا بچه شون دانشگاه قبول می‌شه، منطقه رو ترک می‌کنن و به شهرهای بزرگ میرن و یا حتی بعضی‌ها به خارج از کشور میرن، اما قبلاً تحرک‌های جغرافیایی خیلی کم بود و یا اصلاً وجود نداشت؛ به خاطر همین که روابط بین خویشاوندان خیلی کم شده و مثل قبل نیست».

آقای (ب)، درباره نقش دخالت بی‌مورد خویشاوندان در زندگی زناشویی زوجین که از عوامل کاهش تعاملات خویشاوندان است چنین می‌گوید که: «مردم ما فرهنگ این‌رو ندارند که وقتی یکی از اعضای خانواده ازدواج می‌کنه، خوب دیگه زندگی خودش رو تشکیل میده و به این سن رسیده و به این عقل و شعور رسیده که دیگه ازدواج کرده و دیگه ما خودمون رو کنار بکشیم و خودشون هر جور که می‌خوان زندگی کنن و هر کسی

میاد و یه نظری میده و میگه چرا این کار را کردی و چرا این کار را نکردی و هر کسی یک نظری میده هر کسی می‌خواد کاری برای خودش انجام بده می‌گه الان فلانی میاد هم چنین حرفی رو میزنه یا نظری میده، مثل خاله، عمه، عمو. در فرهنگ‌های دیگر این موضوع‌ها دیگه نیست و کسی دخالتی نمی‌کنه؛ ولی در فرهنگ مردم ما فعلاً این دخالت‌ها هست و می‌تواند تأثیر بگذاره در روابط زن و شوهرکه می‌خواد شکل بگیره به خاطر این دخالت‌های اضافی روابط هم کمتر شده».

هم‌چنین تعداد زیادی از مشارکت‌کنندگان بر این باورند که حمایت خویشاوندان از هم‌دیگر در گذشته زیاد بوده است. اگر مشکلی برای خویشاوندان به وجود می‌آمد، مثلاً حمایت خویشاوندان در مراسم عزا و حمایت برادر از برادرزاده یا حمایت خانواده‌ها از هم‌دیگر وجود داشته است؛ به طوری کلی هر زمان مشکلی به وجود می‌آمد خویشاوندان از هم‌دیگر حمایت می‌کردند؛ اما مشارکت‌کنندگان می‌گویند که امروزه حمایت خویشاوندان از هم‌دیگر کاهش یافته و افراد دست‌تنها شده‌اند و اگر کسی مشکلی برای آن‌ها پیش بیاید نمی‌توان روی حمایت خویشاوندان حساب کرد و حتی فامیل یا خویشاوندان دشمن هم‌دیگر هستند یا سعی در کارشکنی هم‌دیگر دارند؛ مثلاً در این باره، آقای (م) می‌گوید که: «قدیم اگه کسی مشکلی براش پیش می‌ومد فرض مثال من خودم یه همکار داشتم صحبت می‌کرد، میگِ اقا مثلاً من پدرم رفته رحمت خدا، ما تا یک سال همش عزادار بودیم، بعد چون پدرم رفته رحمت خدا، کسی نبوده که مثلاً برای کارهای درو و این چیزا کمکمون کنه. این میگِ من خودم بچه کم سنی بودم؛ میگِ تمام فک و فامیل جمع شدن ما رفتیم تو زمینی که داشتیم درو کردن. ولی الان به نظرم وقتی کسی مشکلی پیش میاد، دیگِ اهمیتی ندارِ مثل قدیم؛ میگِ قدیم ما کمکمون کردن فک و فامیل و اطرافیان کمک کردن، ولی الان دیگِ مشکلی واسه کسی پیش بیاد به قول معروف به نظر من آدمای خیلی دست‌تنها شدن تو این دوره زمنه. دیگِ به قول معروف خودتی و خودت؛ مثل قدیم نیست که یارو کمک کنه، طایفه کمک کنه، فامیل کمک کنه، رفیق، رفیق حالا بحثش جداست؛ ولی به نظر من فامیل و این چیزا دیگِ مثل قدیم کامل کمک نمی‌کنن کسی که براش مشکلی پیش اومده. یه مثال بزمن، مثلاً یه آدم سرشناسی بود گفت برادرم رفته تو جاده سخته کرده پشت فرمون مرده، میگِ ما او مدیم برادرها پولی رو هم گذاشتیم جفت خونه خودمون براش یه خونه خریدیم بچه‌هاشو بزرگ کردیم و حتی یکی از پسرشو داماد خودم کردم».

هم‌چنین خانم (س) می‌گوید که: «فامیل، قدیم پشت هم بود، وقتی یکیشون مشکلی داشت همه کمک می‌کردن مشکلس حل می‌شد. الان من دیدم بعضی‌ها اصلاً خود فامیلشون دشمنشون می‌شن. خود فامیلشون مشکلسون می‌شن».

همین‌طور مشارکت‌کنندگان باحالتی نوستالژیک از روابط صمیمی خانواده‌ها در گذشته یاد می‌کنند. در گذشته افراد به خانواده‌های هم‌دیگر و بچه‌های فامیل محبت می‌کردند. هم‌چنین افراد به هم محبت می‌کردند. ولی به باور مصاحبه‌شوندگان امروزه با وجود گسترش رسانه‌های جمعی و هم‌چنین ایجاد فاصله مکانی و فاصله جغرافیایی بین خانواده‌ها مهر و محبت و صمیمیت بین خانواده‌ها کاهش یافته است. در این باره، آقای (م) می‌گوید که: «می‌گن قدیم خیلی صفا و صمیمیت بیشتر بوده نسبت به الآن؛ اما الآن خیلی صفا و صمیمیت کمتر محبت من به بچه‌های برادرزاده و خواهرزاده و یا به قول معروف بچه‌های فامیلم خیلی بیشتر بود، ولی به نظر من الآن دیگ تا اون حد نیست الآن کمتر شده. حالا ما خودمون خانوادمون طوری بوده که مثلاً پخش بودیم، زیاد رابطه صمیمی نداشتیم با عمو و عمه و خاله و این چیزا. چون هم شهرهای دیگ بودن، هم شرایط زندگی طوری بود که بقولی زیاد باهم صمیمی نبودیم».

همین‌طور، آقای (ج) می‌گوید که: «الآن این‌که رسانه‌های اجتماعی کار ارتباط راحت‌تر کردند کمتر هم‌دیگر را می‌بینند، ولی خوب یکی از عیب‌هایی برای این رسانه‌ها میش لحاظ کنیم باعث شده که ارتباط رودررو خیلی کمتر بشه، مهر و محبت کم‌رنگ‌تر بشه».

هم‌چنین براساس باور کنش‌گران (مشارکت‌کنندگان) این پژوهش، در گذشته روابط بین خانواده‌ها به صورت فیزیکی یا چهره‌به‌چهره زیاد بوده است. ولی با ورود و گسترش رسانه‌هایی مانند: تلفن، گوشی همراه، واتساپ، تلگرام و... روابط صورت فیزیکی یا چهره‌به‌چهره بین خانواده‌ها فرسایش یافته است و به شکل غیرحضوری و تلفنی درآمده است؛ هم‌چنین روابط خانوادگی گزینشی، اولویت‌بندی شده، محدود و با گرایش به خانواده سببی درآمده است. آقای (ه) در این باره می‌گوید: «خانواده‌ها الآن بیشتر من می‌گم، من خودم بیشتر سمت خونه بابام می‌رم یا سمت خونه پدرخانم می‌رم. دیگ تقریباً من این دو تا خانواده رو می‌بینم دیگ. عمو دایی رفته تو اولویت بعدیمون؛ سعی می‌کنیم اگه می‌خوایم بیایم، قبلاً می‌خواستیم بریم عمو، دایی، پدر و مادر رو ببینیم، اول می‌گیم پدر مادر خودمونو ببینیم، داداشو ببینیم، زن داداشو ببینیم، باهم بریم بیرون. الآن باز یه تعدادی به دلیل ازدواج‌هایی که پیش اومده، عروس اومده تو خانواده، دوماه اومده تو خانواده، خونواده می‌خورده گرایش پیدا کرده به سمت عروساشون، دوماه‌اشون. گوشی موبایلی که الآن دست من و شماست باعث شده که فقط با یه زنگ احوال بپرسیم. دیدن کلاً از زندگی امروزی کم شده».

همین‌طور خانم (ر) در این باره می‌گوید: ولی رفته رفته برخلاف این آزادی یا تحرک فیزیکی جای خودش رو تغییر داد تا جایی که حصار، دیوار، دروپیکر، دوربین، درهای

ری‌موت‌دار این روابط یا این رفت‌وآمدها، رفته‌رفته محدودتر، گزینشی‌تر و خیلی خلاصه‌تر می‌شد. ولی آروم‌آروم هرچقدر جلوتر می‌رویم این روابط از شکل اولیه خودش خارج شده. بگم اون چیزی که خانواده‌هارو مدیریت می‌کنه، گوشی‌های همراه یا گوشی‌های لمسی هست، اینترنت هست و فضای مجازی هست.

۲- مقوله اصلی دوم: تعاملات ذره‌واره بین همسایگان؛ درگذشته، همسایگان روابط و تعامل‌های آزاد و زیادی باهم داشتند؛ یکی از دلیل تعاملات زیاد همسایگان، نبود حیاط منزل است؛ چون خانه‌های گذشته به شکل ویلایی بودند و حیاط نداشتن همسایه‌ها و حتی خویشاوندان روابط بازی شکل‌گرفته بود و همسایه‌ها روابط و تعاملات فیزیکی و تحرک زیادی داشتند. هم‌چنین تعاملات بین آن‌ها به حدی گرم بود که اگر افراد از غذای خودشان که صرف می‌کردند مقداری هم بین همسایه‌ها خود توزیع می‌کردند که به گویش محلی به آن «کاسم سا» یا «کاسه همسایه» می‌گفتند؛ اما با افزایش جمعیت و آپارتمان‌نشینی باعث کاهش روابط همسایگان، اطلاع‌نداشتن همسایگان از حال هم‌دیگر و ارتباط حداقلی آن‌ها باهم شده است. خانم (ر) در این باره چنین می‌گوید که: «می‌تونم بگم در شهرستان دره‌شهر چیزی به عنوان حیاط منازل وجود نداشت. روابط اون قدر باز بود، تعاملات اون قدر باز بود، همسایه‌ها به راحتی برای برقراری رابطه با همسایه‌شان رفت‌وآمد داشتن؛ ولی رفته‌رفته برخلاف این آزادی یا تحرک فیزیکی جای خودش رو تغییر داد تا جایی که من این رو به جرئت می‌گم همسایگان از حال هم‌دیگه مثل سایر جاهای دیگه کمتر خبردارند؛ تا جایی که حصار، دیوار، دروپیکر، دوربین، درهای ری‌موت‌دار این روابط یا این رفت‌وآمدها، رفته‌رفته محدودتر، گزینشی‌تر و خیلی خلاصه‌تر می‌شد».

هم‌چنین آقای (ه) در این باره می‌گوید: «رفت و آمده کم شده، الآن بچه من تو خونه آپارتمانی که الآن ساخت و سازهایی که آپارتمانی شده، بچه‌ها کسیو نمی‌بینند. یا توی کوچه کسیو نمی‌شناسیم. چون جمعیت افزایش پیدا کرده به نسبت روابط که دار خیلی کم شده. همسایه روبه‌رو خودمون رو نمی‌شناسم و اونم منو نمی‌شناس».

یکی از مصاحبه‌شوندگان به نام آقای (ل) می‌گوید: «روابط بین همسایه‌ها به حدی خوب بود که افراد از غذایی که خودشون استفاده می‌کردن، مقداری هم به هم‌دیگر می‌دادند که به آن کاسم سا می‌گفتند».

براساس پژوهش «یوسفی» و همکاران، میانگین نمره حجم روابط همسایگان بسیار کم بوده است و نزدیک به ۲۵٪ خانواده‌ها هیچ‌گونه شناختی از همسایه‌های خود ندارند (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸).

۳- مقوله اصلی سوم: تعاملات سرد هم‌محله‌ها؛ مشارکت‌کنندگان بر این باورند که درگذشته تعاملات بین هم‌محله‌ها بسیار گرم بوده است؛ مثلاً همیاری هم‌محله‌ها در مراسم ازدواج و عزا و یا اگر اختلافات زناشویی پیش آمده است، هم‌محله‌ها برای رفع این مشکل همکاری می‌کردند و یا در عید نوروز خانواده‌ها باهم دیدوبازدید داشتند. بازی‌های هم‌محلی‌ها به صورت دسته‌جمعی بود و حسادت هم‌محله‌ای‌ها درگذشته خیلی کم بوده است.

مشارکت‌کنندگان بر این باورند که در دنیای امروز تعاملات بین هم‌محله‌ها سرد شده است؛ مثلاً آن‌ها نسبت به هم حسادت دارند و زیرآب‌زنی بین آن‌ها افزایش یافته است. هم‌چنین هم‌محله‌ها از حال هم‌دیگر خبر ندارند و روابط جمع‌گرایانه آن‌ها جای خود را به فردگرایی داده است.

یکی از مشارکت‌کنندگان به نام آقای (ل) در این باره می‌گوید: «درگذشته در هر محله‌ای اتفاقی می‌افتاد؛ مثلاً جشن ازدواجی یا عزاداری اتفاق می‌افتاد همه هم‌محله‌ها در مکان جشن ازدواج یا عزا جمع می‌شدند و همکاری می‌کردند؛ مثلاً برای عزاداری کفن و دفن همکاری می‌کردند؛ یکی، مثلاً چند نفر کفن را می‌خریدند و آماده می‌کرد و چند نفر در کندن قبر کمک می‌کردند و یا برای تهیه وسایل گرمایی و سرمایی یا تدارک شام یا نهار، همه هم‌محله‌ها تلاش می‌کردند و یا درگذشته عید نوروز هم‌محله‌ها به دیدوبازدید هم می‌رفتند؛ اما الآن فردگرایی جای جمع‌گرایی رو گرفته است. افراد از حال همسایه خبر ندار؛ اما درگذشته اگر اختلاف زناشویی و یا مسأله اجتماعی اتفاق می‌افتاد سعی می‌کردند هم‌محله‌ها همکاری بکنند. الآن متأسفانه زیرآب‌زنی زیاد شده و به طوری که خواهان خوشبختی هم‌دیگر نیستند، ولی درگذشته خوشبختی را برای همه آرزو می‌کردند. الآن فردگرایی جای جمع‌گرایی گرفته است و در جامعه مدرن همسایه و هم‌محله‌ها از حال هم‌دیگر خبر ندارند و اگر چندبار با کسی احوال‌پرسی کنی، طرف میگه یارو فضول و تو زندگی‌مون سرک می‌کشی و الآن فردگرایی جای جمع‌گرایی گرفته».

۴- مقوله اصلی چهارم: روابط اتمیستی همشهریان؛ از نظر مشارکت‌کنندگان جمعیت محدود شهر در گذشته از عوامل زمینه‌ساز افزایش تعاملات بین همشهریان بوده است. افراد تحت مصاحبه بر این باورند که مشارکت بزرگان شهر در رفع نزاع‌های طایفه‌ای، مشارکت همشهریان در مراسم تشییع جنازه، مشارکت جمعی همشهریان در مراسم یادبود مردگان و مشارکت افراد در لایه‌روبی نهرها باعث شده هم‌بستگی بالایی در جامعه وجود داشته باشد و هم‌چنین آسیب‌های اجتماعی مانند خودکشی و دگرکشی در جامعه کم باشد؛ اما مشارکت‌کنندگان بر این باورند که در دنیای امروز هم‌بستگی

اجتماعی کاهش یافته و این یکی از عاملی است که باعث خودکشی و دگرکشی شده است؛ هم‌چنین عنوان می‌کنند که اگر تعاملات بین خانواده‌ها بیشتر باشد عاملی برای کاهش خشونت‌های خانوادگی (خودکشی و دگرکشی) است؛ اما می‌گویند فردگرایی امروزی باعث شده افراد از حال هم‌دیگر خبر نداشته باشند. پس به طوری کلی روابط همشهریان به شکل اتمیستی دچار فرسایش شده است.

خانم (چ) در این باره می‌گوید: «درگذشته چون جمعیت دره شهر محدود بود اگر نزاع جمعی یا طایفه‌ای اتفاق می‌افتد همه بزرگان شهر جمع می‌شدند و سعی می‌کردند که صلح و سازش ایجاد کنند. یا فردی از دنیا می‌رفت افراد متشخص هر طایفه جمع می‌شدند و پشت سر جنازه می‌رفتند و با احترام می‌رفتند و دفن می‌کردند. یا در سالگرد مردگان مردم بر سر مزار مردگان حاضر می‌شدند و خیرات می‌کردند و فاتحه می‌خواندن برای مردگان و در همان محل به صورت دسته جمعی غذا می‌خوردند؛ در انتخاب و در لایه‌روبی نهر افراد منطقه باهم جمع می‌شدند و شرکت می‌کردند و هرکسی به هر نحوی کمک می‌کردن و مردم ید واحد بودند و هم‌بستگی بالا باهم داشتن؛ و مثلاً کسی نمی‌توانست مثلاً به یک دره شهری اهانت بکند و اگر اهانتی می‌کرد همه مردم از شهر و هم‌شهری خودشون دفاع می‌کردن، ولی الآن تعصب و هم‌بستگی کاهش یافته و درگذشته مردم هوای هم‌دیگر را داشتند. الآن اتفاقاتی در سطح شهر میفته که کسی از علت وقوع آن‌ها خبر ندارد، ولی درگذشته اگر خانواده اصطکاک داشت چند تا ریش سفید یا چند نفر بزرگ از محله سعی می‌کردن مشکل یا معضل اون خانواده را برطرف کنند. ولی الآن مردم چنان در فردگرایی غرق شدن و درون خود غرق هستند که از مشکلات هم‌دیگر کاملاً بی‌خبر هستند و این باعث شده که در الآن متأسفانه خودکشی و دگر کشی در جامع افزایش یافته که دلیلش کاهش هم‌بستگی اجتماعی و هم‌نوایی و هم‌دردی است و چون برحال هم‌دیگر اشراف نداریم و از حال هم بی‌خبر هستیم باعث به وجود آمدن این اتفاق‌ها می‌شود؛ درحالی‌که اگر افراد و خانواده و همسایه از حال هم‌دیگر باخبر باشند و روابط اجتماعی سالمی داشته باشند قطعاً جلوی بسیار از این خشونت‌ها خانوادگی گرفته می‌شود».

هم‌چنین خانم (ش) به عاملی دیگر، یعنی «کرونا» تأکید می‌کند که باعث کاهش روابط همشهریان با هم شده است؛ او در این زمینه می‌گوید: «حالا هم که کرونا آمده دیگه بدتر شده، مردم اصلاً می‌ترسند خونه هم بروند و به خاطر این مسأله و مریضی هست که روابط خیلی کمتر شده».

۵- مقوله اصلی پنجم: کاهش تعاملات بین اعضای خانواده؛ به باور مصاحبه‌شوندگان درگذشته و زمانی‌که رسانه‌های جمعی یا فضای مجازی نبود یا

تکنولوژی ارتباطی در سطح پایین بودند، تعاملات بین اعضای خانواده زیاد بود و افراد باهم گفت‌وگو می‌کردند، صحبت کلامی زیادی باهم داشتند و اعضای خانواده از طریق بازی‌های جمعی سرگرم می‌شدند و به صورت رودررو باهم گفت‌وگو داشتند؛ اما امروزه گفت‌وگو و صحبت‌های کلامی بین اعضای خانواده کاهش یافته است.

آقای (ج) در این باره می‌گوید که: «قدیم یک کرسی می‌داشتند داخل یک اتاق همه دور این کرسی می‌نشستند یا خیلی قدیم‌تر یک تنوری داخل یک مطبخ وجود داشته که همه اعضای خانواده گرد این تنور می‌نشستند و شب‌ها شب‌نشینی می‌کردند و باهم صحبت و گفت‌وگو می‌کردند و با بازی‌های جمعی مثل کلاغ‌پر یا گل‌یاپوچ سنگم می‌شدند. بی‌بوش بی‌بوش که تکنولوژی پیشرفت کرد بخاری آمد بخاری آمد باعث شد که افراد از گرد هم به گوشه‌های اتاق منتقل به شن یک از مشکلات رسانه‌ها که می‌شه گفت وجود دار؛ به طور مثال، دو تا سه خانواده که ممکنه برای یک شب نشینی دعوت بشن باهم به صورت حضوری صحبت کنند بیشتر بچه‌ها که سنشون کم با گوشی تلفن همراه خودشون مشغول می‌شن و افراد فقط با خوردن شام و پذیرایی رفتن توی اون خونه مهمان شدند و صحبت‌های کلامی بین اون‌ها کمتر شده».

هم‌چنین به باور مشارکت‌کنندگان با ورد رسانه‌های جمعی و فضای مجازی، گفت‌وگو و تعاملات بین زن و شوهر، بین فرزندان و بین فرزندان و والدین دچار فرسایش شده است. استفاده بی‌رویه زن و شوهر از فضای مجازی باعث کاهش تعاملات بین آن‌ها و بین فرزندان شده است و به نوعی اعضای خانواده دچار انزوا شده‌اند.

خانم (ا) در این باره می‌گوید که: «فضای مجازی نبود تلویزیون به ندرت در خانواده‌ها پیدا می‌شد به خاطر همین بیشتر باهم صحبت می‌کردند. حتی بین زن و شوهرها هم هر کی سرش توی گوشی خودش به خاطر همین کمتر با هم صحبت می‌کنند».

هم‌چنین آقای (ه) در این باره می‌گوید که: «الآن مثلاً من در مورد روابط زناشویی دارم می‌گم، زن و مرد وقتی میان تو خون، مرده وقتی از در میاد تو خونه، به فرض سلام می‌کنه، زن توگوشی. گروه دوستان، گروه خانواده، گروه فلان دار توضیح می‌ده. اون وقت مرد می‌بینه زن دار این کارو می‌کنه، مرده هم مجبور دیگ می‌ره توگوشی خودش. حالا بچه‌ها می‌گن بابا، ماما، ماما، ماما، ماما می‌گن یه لحظه وایسید یه لحظه وایسید تا من جواب اینو بدم، بزار من جواب دوستمو بدم، خوب بچه بنده خدا چه گناهی کرده؟! اصلاً من و خانمم شاید بعضی اوقات یک جوری هستیم تو بعضی شرایط باهم تعامل نداریم».

هم‌چنین دو نفر از مشارکت‌کنندگان یعنی آقای (ه) و خانم (س) مشغله کاری و

مشکلات و دغدغه‌های زیاد زندگی را عامل کاهش گفت‌وگوی و تعاملات بین اعضای خانواده می‌دانند.

آقای (ه) در این باره می‌گوید که: «زندگی فقط شده کار از صبح که آدم بلند می‌شه می‌ره سرکار، خستگی کارو بعضی اوقات من به‌شخصه تو خونه هم میارم این خودش باعث می‌شه من نتونم تو خونه باشم».

هم‌چنین خانم (س) در این باره می‌گوید که: «ولی الآن دوتا خواهر و برادر با هم دیگه تو یه خونه زندگی می‌کنن، هر کدومشون یه اتاق جداگانه‌ای می‌خوان اخلاق و رفتارشون یه جوریه شده که اصلاً خیلی کم با هم دیگه صحبت می‌کنن مرتب سرشون توگوشی، تو دنیای مجازی سیر می‌کنن. مشکلات از بس زیادند و دغدغه‌ها زیادند نمی‌تونه کامل وقت بذاره، برای خانواده خودش و بچه‌های خودش».

هم‌چنین مشارکت‌کنندگان صمیمیت و روابط عاطفی در درون خانواده را آن‌قدر قوی می‌دانند که آن‌را به تار عنکبوت که شبکه‌ای درهم‌تنیده است، تشبیه می‌کنند و می‌گویند چون ابعاد خانواده درگذشته بزرگ بوده است، نقش مؤثری در صمیمیت و روابط عاطفی درهم‌تنیده بین اعضای خانواده داشته است؛ اما در جامعه امروزی صمیمیت و روابط عاطفی بین اعضای خانواده دچار فرسایش شده است. آنان بیان می‌کنند که اشتغال زنان، شیوه‌های تربیتی فرزندان، کاهش بعد خانواده و استیلای یا هژمونی فضای مجازی بر خانواده از عوامل مؤثر بر کاهش صمیمیت و روابط عاطفی درون خانواده است. پیامد کاهش صمیمیت و روابط عاطفی بین اعضای خانواده کاهش توانمندی خانواده‌ها در مقابل آسیب‌های اجتماعی است.

خانم (ر) در این باره می‌گوید که: «روابط عاطفی اعضای خانواده، در خانواده‌های پرجمعیت اوایل انقلاب همون سال ۵۷ به این‌ور، این روابط عاطفی مثل یک شبکه مثل تار عنکبوت مثل شبکه‌ای درهم‌تنیده بود؛ که اون قدر اون روابط تنیده بود که شاید مرز قائل شدن برای این روابط خیلی به‌سختی انجام می‌گرفت. باوجود یک فرزند یا دو فرزند جای خودش رو اون شبکه تنیده به خانواده‌های ۳ نفر یا ۴ نفر داده. باوجود یک فرزند یا دو فرزند جای خودش رو اون شبکه تنیده به خانواده‌های ۳ نفر یا ۴ نفر داده و این هم می‌توان یک شکاف عاطفی رو ایجاد کنه و خود این شکاف عاطفی هم در مقابل آسیب‌هایی که خانواده مواجه می‌شه در اجتماع، خانواده‌هارو توانمند نمی‌کنه، ضعیف می‌کنه. بگم اون چیزی که خانواده‌هارو مدیریت می‌کنه گوشه‌های همراه یا گوشه‌های لمسی هست، اینترنت هست و فضای مجازی هست. که با این عنوان ساختار خانواده هست، اما در درون خانواده ما این در جهت اثربخشی خودش شاهد نیستیم هرکسی توی اتاق خودش کنجی، فضایی که به خودش اختصاص داده

در حال زندگی کردن با هم هستیم. در این خانواده‌ایی که از اوان اوایل سال ۵۷ به این‌ور ما می‌گیم اتحاد عاطفی یا شبکه‌ی عاطفی قوی بین تعداد اعضای خانواده هر تعدادی اگه ۱۲ تا فرزند توی این خانواده بود. این رابطه‌ی عاطفی به‌شکلی که یه فرزند حالش بد می‌شد سرش درد می‌گرفت یا غیبت فیزیکی داشت سراغش می‌رفتن. ولی الآن شاید فرد ساعت‌ها در اتاق خودش باشی و پدر و مادر از حال روحی و روانی و جسمی‌اش باخبر نباشند».

هم‌چنین خانم (ا) در این باره می‌گوید که: «ولی بعضی خانواده‌ها که روابط صمیمی‌تری دارند؛ مثلاً آن‌هایی که در کودکی پدر و مادرشان بچه‌ها رو آوردن با هم بازی کردن باز هم موقعی که بزرگ می‌شوند با هم روابط صمیمانه‌تری دارند درباره‌ی اشتغال من دیدم تو اقوام و فامیل، مثلاً یه خانوم خونه که کار می‌کرد به مشکل خوردن الآن فقط دارن با هم زندگی می‌کنند، ولی اصلاً روابط صمیمی بینشون نیست و این‌که خیلی باید روابط صمیمانه وجود داشته باشی که زندگی خوب باشه یا بد باشه».

۶. الگوی پارادایمی: کاهش تعاملات خانواده

الگوی پارادایمی پژوهش‌نشان دهنده‌ی جریان فرآیندها و فعالیت‌هایی است که در بستر مطالعه اتفاق افتاده است. این الگو شش قسمت دارد؛ شامل: شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، استراتژی‌ها و پیامدها. در میانه‌ی الگو نیز پدیده‌ی مرکزی قرار گرفته است که فعالیت حول آن شکل می‌گیرد. جریان فرآیندها و فعالیت‌هایی که در بستر این پژوهش اتفاق افتاده است، نشان می‌دهد که پدیده‌ی مرکزی «فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی درون و بین خانواده‌ها» است.

در الگوی پارادایمی، شاهد شرایط علی مانند: حسادت، مداخله‌ی بی‌مورد خویشاوندان در زندگی زناشویی، چشم‌وهم‌چشمی، کرونا، کاهش تعاملات بین اعضای خانواده، کاهش صمیمیت بین خانواده‌ها، تعاملات ذره‌واره بین همسایگان، روابط اتمیستی همسهریان و تعاملات سرد هم‌محله‌ها هستیم؛ از طرف دیگر، شرایط مداخله‌گر مانند: بی‌اعتمادی، فردگرایی، شرایط سخت اقتصادی، افزایش جمعیت، فضای مجازی، تحرک جغرافیایی، فاصله‌ی مکانی و آپارتمان‌نشینی هستند و مشکلات دیگری از جمله مشغله‌ی کاری، تحصیل فرزندان، ازدواج، توجه به علایق شخصی، نان‌آور بودن زن، اشتغال زن و ورود رسانه‌های اجتماعی، شرایط زمینه‌ای هستند که این عوامل و شرایط باعث شده‌اند که نسبت به گذشته سرمایه‌ی اجتماعی درون و بین خانواده‌ها مشارکت‌کنندگان دچار فرسایش شود؛ هم‌چنین وقتی همه‌ی این شرایط و عوامل دست‌به‌دست هم می‌دهند و با هم در یک نقطه به هم می‌رسند مشارکت‌کنندگان

استراتژی‌هایی از جمله گزینشی کردن روابط خانوادگی و افزایش روابط مجازی بین خانواده‌ها را اتخاذ می‌کنند که در نتیجه می‌تواند باعث انزوای بچه‌ها، فرسایش سرمایه‌های اجتماعی بین طایفه‌ای و خویشاوندی و کاهش حمایت خویشاوندان از هم‌دیگر شود.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

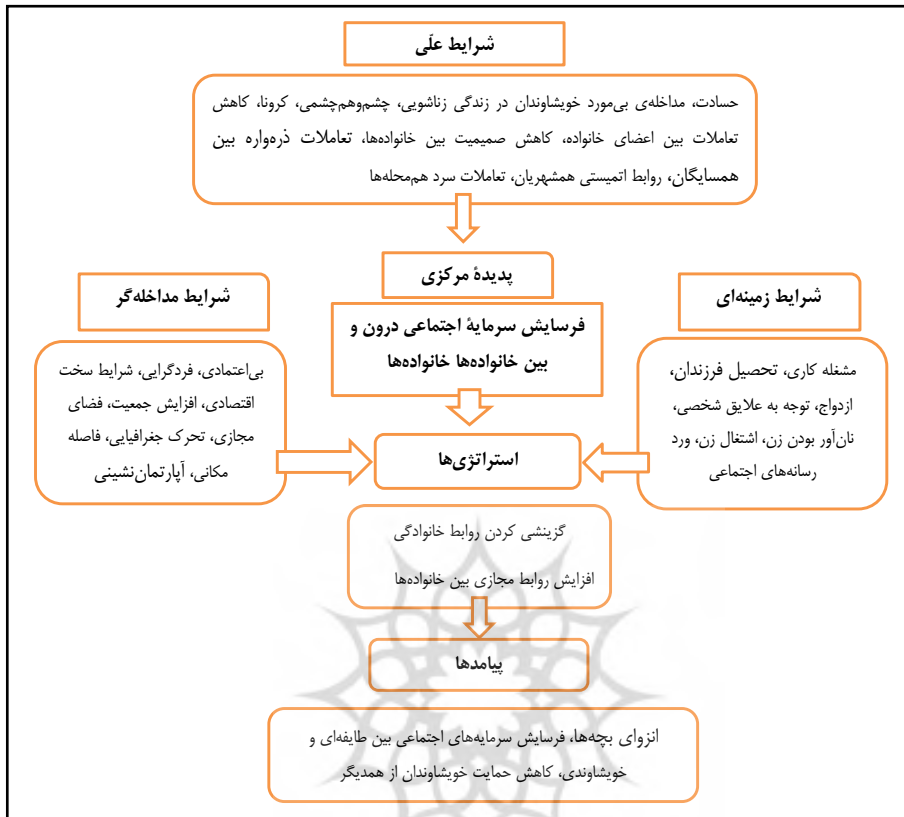
به‌طور کلی رفتارهای انسانی در خلأ شکل نمی‌گیرد، بلکه تحت تأثیر شرایط گذشته و حال و با در نظر گرفتن همه جوانب، کنش‌ها به وقوع می‌پیوندند؛ بنابراین برای فهم رفتارها علاوه بر شناخت زمان حال، نیاز به بررسی دقیق گذشته و درک اتفاق‌های آن است (ملتفت و جهانگیری، ۱۳۹۵: ۶۲). بر این اساس برای فهم روند کاهش تعاملات و ارتباطات بین اعضای خانواده و بین خانواده‌های مشارکت‌کنندگان، چاره‌ای جز واکاوی گذشته در کنار شرایط فعلی زندگی آن‌ها نیست.

گذار از جامعه سنتی به مدرن و شهری باعث کاهش تعاملات و ارتباطات بین اعضای خانواده و بین خانواده‌ها شده است. در این پژوهش، الگوی پارادایمی ترسیم شده که شامل: شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، پدیده مرکزی، استراتژی‌ها و پیامدها بوده است. اولین موضوعی که در مصاحبه‌های انجام شده خود را نشان می‌دهد و به‌وفور شاهد آن بودیم، پرداختن به بحث «فرسایش سرمایه اجتماعی درون و بین خانواده‌ها» توسط مشارکت‌کنندگان بوده است و در بین همه آن‌ها عمومیت داشته است؛ بنابراین پدیده محوری که در پژوهش حاضر با آن مواجهه هستیم «فرسایش سرمایه اجتماعی درون و بین خانواده‌ها» است.

نتایج پژوهش «قادرزاده» و همکاران (۱۳۹۲) نشان داده که حضور فیزیکی میان افراد و هم‌چنین رحم و مروت با احساس مسئولیت انسانی و مذهبی سابق افراد در قبال دیگر هم‌شهری‌ها و حتی فامیل بسیار نزدیکشان کاهش یافته است و هر کس بیشتر به فکر ترقی و آسایش مادی زندگی خویش است؛ هم‌چنین گسست پیوندها و روابط خانوادگی میان والدین و فرزندان و دیگر خویشاوندان، حاد تفسیر شده است؛ اما معتقدند که این شدت و وخامت هنوز به درجه‌ای نرسیده که نهاد خانواده دچار فروپاشی شود.

هم‌چنین «باقری» و همکاران در مورد تعامل اجتماعی در خانواده ایرانی به این نتیجه رسیده‌اند که در این خانواده‌ها مشکل فقدان روابط و تعاملات اجتماعی، کمبود و کاهش تعاملات خانوادگی، کمبود تعاملات گرم در خانواده، وجود تعاملات سرد در خانواده و قطع روابط همسران وجود دارد (باقری و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۳).

واکنش مشارکت‌کنندگان در برابر این فرسایش‌ها، گزینشی کردن روابط خانوادگی



نمودار ۱. مدل پارادایمی کاهش تعاملات خانواده‌های شهر دره‌شهر.

و افزایش روابط مجازی بین خانواده‌ها است؛ اما در ارتباط با بسترها و زمینه‌های اجتماعی مشارکت‌کنندگان، مشغله کاری، تحصیل فرزندان، ازدواج، توجه به علایق شخصی، نان‌آور بودن زن، اشتغال زن، و ورود رسانه‌های اجتماعی بوده است. با توجه به صحبت‌های مشارکت‌کنندگان شرایط علی پژوهش حاضر، حسادت، مداخله بی‌مورد خوشاوندان در زندگی زناشویی، چشم‌وهم‌چشمی، کرونا، کاهش تعاملات بین اعضای خانواده، کاهش صمیمیت بین خانواده‌ها، تعاملات ذره‌واره بین همسایگان، روابط اتمیستی همشهریان، تعاملات سرد هم‌محله‌ها است.

مشغله کاری، تحصیل فرزندان، ازدواج، توجه به علایق شخصی، نان‌آور بودن زن، اشتغال زن و ورود رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای بوده‌اند. به‌علاوه، شرایط حاکم بر جامعه هم اثر خود را بر این کنش‌ها یا به‌عبارتی استراتژی‌های مشارکت‌کنندگان گذشته است. بی‌اعتمادی، فردگرایی، شرایط سخت اقتصادی،

افزایش جمعیت، فضای مجازی، تحرک جغرافیایی، فاصله مکانی، و آپارتمان نشینی از شرایط مداخله‌گر حاکم بر جامعه بوده که خارج از کنترل مشارکت‌کنندگان بر رفتار آن‌ها اثر گذشته است و توانسته‌اند سرعت فرسایش سرمایه‌های اجتماعی درون و بین خانواده‌ها را شتاب دهند. هم‌چنین «رضوی طوسی» (۱۳۹۲) در پژوهش خود علل کاهش روابط خویشاوندی و صلح‌رحم در جامعه را مشکلات اقتصادی و گرانی، نداشتن وقت و مشغله کاری زیاد، چشم‌وهم‌چشمی، حسادت، تجمل‌گرایی و زیاده‌خواهی مردم، پیشرفت فناوری و مدرن شدن زندگی و افزایش ارتباط پیامکی، کم شدن محبت میان مردم، طولانی شدن راه‌ها و ترافیک و... بیان کرده است.

علاوه بر آن، «سلتزر» (۲۰۱۹) معتقد است تغییرات جمعیتی عدم اطمینان اعضای خانواده را درمورد روابطشان، افزایش داده است. روابط خانوادگی در بین افراد با وضعیت اقتصادی ضعیف ناپایدارتر و نا اطمینان‌تر است و عدم اطمینان به تضعیف توانایی افراد در اتکا به حمایت اعضای خانواده برای کاهش مشکلات را تشدید می‌کند. بنابراین براساس نظر مصاحبه‌شوندگان، می‌توان گفت که استراتژی‌های روند کاهش تعاملات و ارتباطات بین اعضای خانواده و بین خانواده‌ها تحت تأثیر چند دسته از عوامل (علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر) تقویت و شکل گرفته و مهم‌ترین پیامد آن انزوای بچه‌ها، فرسایش سرمایه‌های اجتماعی بین طایفه‌ای و خویشاوندی، کاهش حمایت خویشاوندان از هم‌دیگر است.

درمجموع چنین به نظر می‌رسد که اگرچه تعاملات چهره‌به‌چهره بین خانواده و خویشاوندان دچار فرسایش شده است و بیشتر مردم شهر دره‌شهر از کم شدن روابط خانوادگی و خویشاوندی ابراز نگرانی می‌کنند و این عامل باعث بحران در هویت اجتماعی آنان شده است؛ اما امروزه با رشد و گسترش رسانه جمعی و فضای مجازی مردم دره‌شهر تلاش می‌کنند با ایجاد گروه‌های خانوادگی و خویشاوندی در شبکه‌های مجازی و از طریق پیام، تماس‌های تصویری و تلفنی و... تعامل داشته باشند و از این طریق هویت اجتماعی خود را انسجام ببخشند و تقویت کنند؛ اما اعضای خانواده هم از طریق فیلم، تصویر، کلیپ و... که به صورت دسته جمعی نگاه می‌کنند یا پیام‌ها، تصاویر، فیلم، کلیپ و... که از طریق رسانه جمعی و فضای مجازی ردوبدل می‌کنند، تعاملات و انسجام خود را حفظ کرده و به نوعی تعاملات مجازی در درون خانواده‌ها شکل گرفته است.

هم‌چنین یافته‌های پژوهش رضوی طوسی (۱۳۹۲) نیز نشان داده است که ارتباط با خویشاوندان و صلح‌رحم در جامعه، دارای تغییراتی شده است؛ بدین معنی که اکثر افراد اعتقاد داشته‌اند که این ارتباطات کمتر شده است. از بین ۹۵/۴٪ پاسخ‌گویان

گفته‌اند که صله‌رحم در جامعه کاهش یافته است. ۲/۸۸٪ از پاسخ‌گویان حضوری، ۳/۱۰٪ تلفنی، ۵/۰٪ از طریق پیامک و ۵/۰٪ با ارسال نامه و ایمیل با فامیل درجه یک خود ارتباط داشته‌اند. بدین صورت، یافته‌ی وی هم نشان داده که تعاملات مجازی بین خانواده‌ها از طریق تلفنی، پیامک و ایمیل گسترش پیدا کرده است و تعاملات چهره‌به‌چهره بین خویشاوندان دچار فرسایش شده است.

هم‌چنین نتایج پژوهش «تادپاتریکار» و همکاران (۲۰۲۱) نشان داد که پیشرفت روزافزون فناوری و معرفی اینترنت بر ارتباطات چهره‌به‌چهره تأثیر گذاشته است و استفاده از فناوری در خانواده‌ها بسیار زیاد است و حداکثر ارتباط روزانه از طریق فناوری اتفاق می‌افتد. استفاده زیاد از فناوری تأثیر منفی بر اوقات فراغت خانواده، پیوند خانوادگی آفلاین و ارتباطات آن‌ها داشته است.

پاتنام در این باره معتقد است که اینترنت مرزهای ارتباطات را حذف کرده و به این طریق تشکیل شبکه‌های جدید را تسهیل می‌کند، اما نسبت به تأثیر آن کمی مردد است؛ به ویژه او، تقسیم دیجیتالی به وجود آمده بین کسانی که به یکدیگر متصل‌اند و کسانی که فاقد مهارت و تجهیزات لازم برای وارد شدن به فضای مجازی هستند را یادآور می‌شود. دوم، به علت سطحی بودن ارتباطات اینترنتی و نداشتن بازده آنی رویارویی‌های چهره‌به‌چهره، بده‌وبستان را متوقف نموده و قلب را آسان می‌سازد. سوم، کسانی که به اینترنت متصل می‌شوند، بیشتر تمایل دارند که فقط با گروه‌های کوچک افراد دیگری که دارای علایق و دیدگاه‌های مشابه با خودشان هستند ارتباط برقرار کنند و از رویارویی با افراد با طرز تفکر متفاوت اِبا دارند (فیلد، ۱۳۹۲: ۱۶۹-۱۷۰). سرمایه‌های اجتماعی، مانند یک شمشیر دو دم هستند. اگرچه سرمایه‌های اجتماعی بین خانواده‌ها، خویشاوندان و همشهریان در گذشته زیاد بوده است و خدمات‌گران بهایی هم چون تسهیل کردن همیاری و همکاری در کشاورزی (کمک کردن کشاورزان در برداشت محصول یا قرض گرفتن ابزارآلات کشاورزی) و... برای خانواده‌ها داشته‌اند، اما چون سرمایه‌های اجتماعی درون‌گروهی بوده هزینه‌های مانند: تقویت خاص‌گرایی و هم‌بستگی‌های محدود درون‌گروهی داشته‌اند و این امر به تعارضات و خصومت‌های بین‌گروهی دامن‌زده است و باعث کاهش انسجام و هم‌بستگی اجتماعی بین‌گروهی و اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته در سطوح بالاتر، از جمله اتحاد و انسجام ملی شده است. براساس نظریه شبکه می‌توان گفت سرمایه‌های اجتماعی قوی خانواده‌ها و خویشاوندان و... پیامدهای منفی برای زن و شوهر داشته است؛ به این شکل که در گذشته چون شبکه خویشاوندی قوی بوده زن و شوهر خود نمی‌توانستند تصمیم‌های لازم را اتخاذ کنند، چون زن و شوهر باید براساس شرایط و روابط شبکه عمل می‌کردند در

تصمیمات خود استقلال نداشته‌اند و این امر زمینه بروز اختلافات در خانواده می‌شد و در نتیجه دخالت دیگران خانواده دچار انحلال شده است. ولی نسبت به گذشته که روابط بین شبکه (خویشاوندان، همسایگان و همشهریان) کمتر و سست‌تر شده پیامدهای مثبتی برای زن و شوهر داشته است به این شکل که آن‌ها دخالت دیگران را در زندگی خود قبول نمی‌پذیرند که هم امر باعث شده که زن و شوهر در تصمیمات خود استقلال داشته باشند و وظایف خود را بهتر انجام دهند.

یکی از پیامدهای فرسایش تعاملات خانواده‌ها انزوای بچه‌ها بوده است که در این زمینه از نظر مشارکت‌کنندگان یکی از عوامل که نقش بسزایی داشته است، استفاده زیاد والدین از شبکه‌های مجازی بوده است. پژوهش «وونگ» و همکاران (۲۰۲۰) نیز نشان داد که استفاده زیاد والدین از فناوری دیجیتال باعث کاهش تعاملات والدین و فرزندان، افزایش زمان حضور کودکان در صفحه نمایش و مشکلات روانی برای خانواده‌های آن‌ها شده است و راه حل این مشکل محدود کردن استفاده والدین از وسایل الکترونیکی در حضور فرزندان خردسالشان بوده که توانسته برای رشد روانی کودکان مفید باشد.

در نهایت، اگرچه رسانه‌های جمعی و شبکه‌های مجازی عامل فرسایش تعاملات و ارتباطات چهره‌به‌چهره بین خانواده‌ها شده و به صورت مشهودی باعث صدمه زدن به سرمایه‌های اجتماعی آنان شده است؛ اما به نظر می‌رسد رسانه‌های جمعی و شبکه‌های مجازی می‌توانند به عنوان منبع تکمیل‌کننده روابط چهره‌به‌چهره عمل کنند و خانواده‌ها را قادر سازند تا شبکه‌های موجود خود را به شیوه‌ای گسترش دهند که اتصالات چهره‌به‌چهره آن‌ها را غنی و مستحکم نماید. پیشنهاد می‌شود که خانواده‌ها هم روابط و تعاملات چهره‌به‌چهره و هم روابط مجازی باهم داشته باشند تا سرمایه اجتماعی آن‌ها تقویت شده و دچار فرسایش نشود.

فرسایش سرمایه اجتماعی درون و بین خانواده‌ها شهر دره شهر زمینه را برای زایش و افزایش انواع مسائل اجتماعی را مساعدتر خواهد نمود فرسایش سرمایه‌های اجتماعی خانواده یکی از مهم‌ترین چالش‌های امروز و فراد شهر دره شهر است و اگر برای آن چاره‌اندیشی نشود پیامدهای منفی عدیده و شدیدی را به دنبال خواهد داشت و هزینه توسعه را در این جامعه روبه توسعه بسیار افزایش خواهد داد.

از آنجایی که رسانه‌های عمومی، خاصه رسانه‌های تصویری و مجازی، دارای کارکردهای جامعه‌پذیری، اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی هستند، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور می‌توانند با دقت در برنامه‌سازی، ترویج و تبلیغ ضمنی و صریح رفت‌وآمد با خویشاوندان، همسایگان و ترویج کارهای گروهی و اجتماعی بین خانواده‌ها و اعضای خانواده و اکتفا

نکردن به تماس‌های تلفنی و مجازی و یا پیامک برای احوال‌پرسی‌ها، مسافرت‌های دسته‌جمعی با خانواده و اولویت‌دادن به مصلحت‌جمعی در برابر مصلحت فردی در خانواده می‌توانند مؤثرترین ابزار در افزایش تعاملات خانواده باشند.

پی‌نوشت

1. Social action
2. Meaningful social action
3. Verstehn
4. Social meaning system
5. Inductive approach

کتابنامه

- آزادارمکی، تقی، (۱۳۹۵). تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی. تهران: انتشارات تیسرا.
- آزادارمکی، تقی، (۱۳۹۹). «خانواده، سرمایه تاریخی، دینی و فرهنگی ماست، به اسم نقد تفکر پدرسالار، نقش پدر را در خانواده حذف نکنیم». قدس آنلاین، ۱۳۹۹/۱۱/۱۰
<http://www.qudsonline.ir/news>
- ابتکار، معصومه، (۱۳۹۸). «میانگین گفت‌وگو میان اعضای خانواده؛ ۲۰ دقیقه». اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۸/۰۴/۲۲
<https://www.eghtesadonline.com>
- ابوالمعالی، خدیجه، (۱۳۹۱). پژوهش کیفی از نظریه تا عمل. تهران: نشر علم.
- اعزاز، شهلا، (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- ایمان، محمدتقی، (۱۳۸۷). «ارزیابی پارادایمی انسان به عنوان عنصر اساسی در طراحی پارادایم الهی». فصلنامه حوزه و دانشگاه روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۴، شماره ۵۴، صص: ۴۶-۲۵.
- بالاخانی‌عیسی‌لو، قادر، (۱۳۹۵). «تبیین جامعه‌شناختی ظهور فردگرایی در عرصه خانواده ایرانی». رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران.
- بهمنی، سجاد؛ همتی، رضا؛ و همکاران، (۱۳۹۸). «فهم فرآیند شکل‌گیری تجربه حاشیه‌نشینی براساس نظریه داده‌بنیاد مورد مطالعه: محله‌های ملاشیه و تل برمی خوزستان». فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۴، شماره پیاپی ۵۴، شماره ۲، صص: ۱۲۷-۱۵۸.
- پاک‌کردکندی، هاجر؛ و ربیعی، علی، (۱۳۹۲). مطالعه ثبات و تغییرات روابط خانواده در دو دهه ۶۰ و ۸۰. فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال سوم، شماره ۹، صص: ۳۵-۵۷.

- پناهی، محمدحسین، و زارعان، منصوره، (۱۳۹۳). «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده و عوامل مؤثر بر آن». فصلنامه مطالعات جنسیت و خانواده، سال ۲، شماره ۲، صص: ۹-۳۸.
- تقوی، نعمت‌الله، (۱۳۹۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده. تبریز: انتشارات آیدین.
- توسلی، غلامعباس؛ و موسوی، مرضیه، (۱۳۸۴). «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی». نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، صص: ۱-۳۲.
- رحیمی، ماریا؛ و رضایی، محمد، (۱۳۹۶). «مطالعه سیر تحول صمیمیت و روابط شخصی در خانواده ایرانی». مطالعات زن و خانواده، دوره ۵، شماره ۱، صص: ۵۳-۷۷.
- رضوی طوسی، سید مجتبی، (۱۳۹۲). «جایگاه روابط خویشاوندی و صله رحم در تعاملات خانوادگی روزمره، مطالعه شهروندان تهرانی». فصلنامه اخلاق زیستی، سال ۳، شماره ۱۰، صص: ۱۱۷-۱۶۲.
- شارع‌پور، محمود، (۱۳۸۳). «ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن». در: کتاب مجموعه مقالات بررسی مسائل اجتماعی ایران، گروه مؤلفان، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- صدیق‌اورعی، غلامرضا؛ باقری، مهدیه؛ و احمد، فرزانه، (۱۳۹۹). «مسأله تعامل در خانواده ایرانی». دو فصلنامه مسائل اجتماعی ایران دانشگاه خوارزمی، سال ۱۱، شماره ۲، صص: ۳۳-۶۴.
- عباس‌زاده، محمد؛ و شمس‌متنق، فرهاد، (۱۳۹۹). «دقت‌مندی در تحقیقات کیفی». مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۲۱، شماره ۲، صص: ۶۷-۹۵.
- عبدی، عبدی، (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر پژوهش در جامعه‌شناسی خانواده در ایران. تهران: نشر نی.
- فیلد، جان، (۱۳۹۲). سرمایه اجتماعی. مترجمان: غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران: کویر.
- فیلیک، اووه، (۱۳۹۱). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- قادرزاده، امید؛ محمدپور، احمد؛ و قادری، امید، (۱۳۹۲). «تجارب مرزی و تفسیر مردم از تغییرات زیست جهان خانواده». فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۲۲، صص: ۶۱-۸۴.
- لولآور، منصوره؛ و کشاورز، محمدامین، (۱۳۹۶). تحول خانواده در بستر مدرنیته. تهران: انتشارات پشتیبان.
- مرادی، سجاد؛ و هزارجریبی، جعفر، (۱۳۹۸). «تحلیل عوامل و راهبردهای مؤثر بر ارتقای شادکامی در استان ایلام». فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۳۰، شماره ۱، صص: ۳۹-۷۲.

- ملتفت، حسین، (۱۳۸۲). «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق، مطالعه موردی شهر داراب». پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم اجتماعی.
- ملتفت، حسین؛ و جهانگیری، جهانگیر، (۱۳۹۵). «فهم تجارب زیسته منجر شده به حمایت از کنش تک‌فرزندی در بین خانواده‌ها مطالعه موردی خانواده‌های تک‌فرزند شهر اهواز». فصلنامه مطالعه فرهنگی و ارتباطات ویژه‌نامه خانواده، سال ۱۲، شماره ۱۲، صص: ۴۱-۶۵.
- نایبی، هوشنگ؛ و لطفی‌خاچکی، بهنام، (۱۳۹۳). «تأثیر روابط و پیوندهای خویشاوندی بر میزان آسیب‌های اجتماعی در استان‌های کشور». فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۱، صص: ۱-۲۶.
- نجفی‌اصل، زهره، (۱۳۹۳). «تبیین تحولات نسلی روابط خویشاوندی در خانواده‌های حصار خروان در نیم‌قرن اخیر». مجله انسان‌شناسی، سال ۱۲، شماره ۲۱، صص: ۱۶۹-۲۰۷.
- نوتاش، مریم، (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی خانواده بر ناسازگاری همسران در منطقه ۱۴ شهرداری تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور تهران، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد.
- یوسفی، علی؛ نوغانی، محسن؛ و حجازی، مهلا، (۱۳۸۸). «انسجام در شبکه‌های همسایگان شهر مشهد». مجله جامعه‌شناسی، دوره ۱، شماره ۱، صص: ۱۳۸-۱۶۱.

- Kyung-Sup, Ch.; Min-Young, S., (2010). "The stranded individualizer under comperssed modernity: South Korean women in individualization without individualism". *The Briths Journal of sociology*, Vol. 61, Issue 3, PP: 539-546.

- Rahman Saodah, A., & Uddin, Md, S., (2017). "The impact of globalization on family valuesL. *International Journal of Advanced Research*, Vol. 5, No. 8, Pp: 968-977.

- Seltzer, A. J., (2019). "Amily Change and Changing Family Demography". *Journal of Demography*, Vol. 56, No. 2, Pp: 405-426.

-Tadpatrikara, A.; Sharmaa, K. M. & Viswanathb, S. S., (2021). "Influence of technology usage on family communication patterns and functioning: A systematic review". *Asian Journal of Psychiatry*, Vol. 58.

-Wong, S. & Rosa, E., (2020). "Parent Technology Use, Parent-Child Interaction, Child Screen Time, and Child psychosocial problems among Disadvantaged Families". *The Journal of Pediatrics*, Vol. 226, Pp: 258-265.